

رابطه‌ی بین توحید و توکل در امور فردی و اجتماعی

چکیده

موضوع این پژوهش، رابطه‌ی بین توحید و توکل در امور فردی و اجتماعی است. توحید به معنای یگانه دانستن خداوند و توکل به معنای واگذاری نمودن و اعتماد کردن در کارها بر او می‌باشد. معمولاً در آیات قرآن یگانگی پروردگار متعال را پس از معرفی نعمت‌های ارزانی شده از جانب او یاد شده است. در عمده‌ی روایات، از توحید با عناوین مختلفی همچون دژ، کلید ایمان و ... یاد شده است.

با چشم اندازی کلی در آیات و روایات مربوط به توکل می‌توان به این نتیجه رسید که این مفهوم به عنوان یک اهرم نیرومند در دین اسلام مطرح می‌باشد.

واژگان کلیدی: توحید، توکل، اعتماد به نفس، صبر، تزکیه.

طرح بحث

توحید به معنای یگانه دانستن خداوند و اولین اصل از اعتقادات اسلامی می‌باشد و توکل نیز به معنای واگذار نمودن امور بر دیگری، پس از اظهار عجز در انجام آن است. اینک می‌توان رابطه‌ی این دو مفهوم را در مسائل فردی و اجتماعی این‌گونه بیان نمود: انسان‌ها زمانی می‌توانند با موفقیت کارهایی خود را به انجام رسانند که خداوند و کمالات او را به درستی بشناسند. آنگاه به دنبال این شناخت، تلاش خود را در انجام فعالیت‌هایشان با یاد، نام و امید به یاری پروردگار آغاز کنند.

با رعایت مصالح شرعی و عرفی آن را ادامه داده و در پایان، کسب نتیجه را بر پایه توکل به خداوند قرار دهند. امروز بشر برای پیشبرد اهداف خود به سمت رشد و تعالی نیازمند نیرویی عظیم و زایل‌نشدنی می‌باشد تا علاوه بر این که با تکیه بر آن، گام‌های مؤثر خود را به دور از هیچ‌گونه ترس و اضطراب، جهت صعود به قله‌ی موفقیت بردارد، سایر روحیات خویش را در جهت اعتدال حفظ نماید. از این رو آشنایی با مسئله توحید و امور وابسته به آن از جمله توکل، در جامعه کنونی، از اهمیت به‌سزایی برخوردار می‌باشد.

تا امروز کتاب‌های زیادی با محوریت موضوع توکل به تحریر قلم بر صفحه‌ی کاغذ در آمده است. از جمله آن‌ها می‌توان به تلاش و توکل، اثر خانم نسیم مشرقی، توکل در جبهه، کاری از مرکز بررسی و تحقیقات عقیدتی سیاسی و ... را نام برد.

لازم به ذکر است که در کتب یاد شده، مسئله‌ی توحید یا به صورت اختصاصی مورد بررسی قرار گرفته بود و یا در کنار شرح مربوط به توکل به آن پرداخته شده بود. در بعضی از آثار تألیف شده و مورد توجه در این تحقیق تنها قسمت معنوی از ابعاد مختلف این موضوع مورد بحث قرار گرفته بود؛ اما در این پژوهش سعی شده تا در دایره‌ی وسیع‌تر اطلاعاتی در دو جنبه‌ی فردی و اجتماعی مورد تحلیل قرار گیرد.

نقطه‌ی مرکزی آن برای افراد در زندگی شخصی و اجتماعی آن‌ها بوده است و تلاش شده تا با مطالعه و نکته برداری از منابع دینی از جمله آیات موجود در کتاب مقدس و روایات در کتاب‌های روایی همچون گزیده‌ی میزان الحکم و... و سایر کتاب‌های تألیف شده با موضوع توحید و توکل در جهت توصیف هر چه صحیح‌تر عنوان یاد شده، گام برداشته شود.



الف. مفهوم شناسی

۱. معنای لغوی و اصطلاحی توحید

معنای توحید در لغت عبارت است از: وَحْدَهُ وَ تَوْحِيدًا، آن را یکی کرد، آن را فرد کرد، آن را واحد کرد، آن را یک دانه کرد «وَحَدَّ اللهُ تَعَالَى» به خدای یگانه معتقد شد و ایمان آورد. (بندر ریگی، ۱۳۷۴، ص ۶۶؛ یکتا کردن، یگانه کردن، خدا را یگانه دانستن، اقرار به یگانگی خدا؛ معین، ۱۳۸۶، ص ۳۳۸)

معنای اصطلاحی توحید:

توحید به عنوان یک اصل اعتقادی اسلام، در بیانات دینی در عرف مسلمانان و در میان دانشمندان علوم اسلامی و به ویژه متکلمان یگانه به معنای یگانه دانستن خداوند است (فقیهی، ۱۳۸۲، صص ۴۳-۴۴)

اصل توحید در اسلام جز توحید خداوند به معنای یگانه دانستن و یگانه شمردن او، هیچ معنای دیگری ندارد و آنچه که در نهج البلاغه و احادیث اسلامی هم از توحید آمده به همین معناست. در مجموع از دو معنی مورد نظر می توان دریافت لازم است که هر انسانی ابتدا خداوند یگانه را بشناسد. سپس بعد از تلاش در امور فردی و اجتماعی خود، نتیجه را بر نیروی لایزال احدی واگذار نماید.

۲. معنای لغوی و اصطلاحی توکل

توکل: «وَكَلَّ يَكِلُ وَ كَلًّا وَ وَكَلُوا إِلَيْهِ الْأَمْرَ»: کار را به او سپرد

«وَكَلَّ تَوَكَّلًا فَلَانًا»: فلانی را وکیل کرد

«وَأَكَلٌ وَ كَالًا وَ مُوَاكِلَةُ الْقَوْمِ»: آن قوم به یکدیگر اعتماد کردند

«أَوْ كَلَّ إِيْكَالًا»: به معنی وکل است.

بالله: تسلیم خدا شد. العمل علی فلان، تمام کار را به فلانی واگذار کرد



توکل: وکالت را پذیرفت و انجام آن را قبول کرد.

لَهُ بِالنَّجَاحِ: پیروزی را برای او ضمانت کرد

بِالْأَمْرِ: انجام آن کار را بر عهده گرفت

عَلَى اللَّهِ: به خدا توکل کرد و تسلیم او شد

اتَّكَلَ عَلَى اللَّهِ: به خدا توکل کرد

فی امرِ علی فلان: در کارش بر فلانی اعتماد و تکیه کرد. (معلوف، ترجمه رحیمی

اردستانی، ۱۳۷۷، ص ۱۲۹۵ و ۱۲۹۶)

توکل در اصطلاح:

توکیل است که دیگری را طرف اعتماد قرار دهی و او را نایب خود کنی به معنای مفعول است

آیه کفی بالله وکیلا نساء ۸۱ بسنده کن با اینکه کارت را او به عهده بگیرد و برای تو اعتماد به

وجود می‌آید. (راغب اصفهانی، ترجمه خسروی، ۱۳۸۵، ص ۴۸۲)



ب. توحید در آیات و روایات

۱. توحید از منظر آیات

خداوند متعال در آیاتی از قرآن کریم به مسئله توحید اشاره فرموده است که اینک در این

قسمت از نوشته به ذکر نمونه‌هایی چند از آن پرداخته می‌شود.

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (حمد / ۱)

حمد و ستایش مخصوص خداوند پروردگار جهانیان است

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كَلُّوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ» (بقره / ۱۷۲)

ای کسانی که ایمان آوردید از نعمات پاکیزه‌ای که به شما دادیم روزی بخورید و شکر خدا را

به جا آورید اگر او را پرستش می‌کنید

«إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ» (آل عمران / ۵۱)

خداوند پروردگار من و شماست او را بپرستند نه من و نه چیز دیگر را این است راه راست
«وَأِنَّ مِنْكُمْ لَمَنْ لَيُبِطِنَنَّ فَإِنْ أَصَابَتْكُمْ مُصِيبَةٌ قَالْ قَدْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْنَا إِذْ لَمْ أَكُنْ مَعَهُمْ شَهِيدًا» (نساء /

۷۲)

در میان شما افرادی (منافق) هستند که هم خوشان سست می‌باشند و هم دیگران را به سستی می‌کشاند اگر مصیبتی به شما برسد می‌گویند خدا به شما نعمت داد که با مجاهدان نبودیم تا شاهد آن مصیبت باشیم.

«وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نَخْرُجُ مِنْهُ حَبًّا مُتَرَاكِبًا وَمِنَ النَّخْلِ مِنَ طَلْعِهَا فِيتَوان دَانِيَةٌ وَجَنَّاتٍ مِنْ أَعْنَابٍ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُشْتَبِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ انظروا إلى ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَيَنْعِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَُمْ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ» (انعام / ۹۹)

او کسی است که از آسمان آبی نازل کرد: به وسیله آن گیاهان گوناگون رویانیدیم و از آن ساقه‌ها و شاخه‌های سبز خارج ساختیم و از آن‌ها دانه‌های متراکم و از شکوفه‌هایی با رشته‌های باریک بیرون فرستادیم و باغ‌هایی از انواع انگور و زیتون و انار (گاه) شبیه به یکدیگر و (گاه) بی‌شباهت!

«قَالَ مَا مَنَعَكَ أَلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ» (اعراف /

۱۲)

خداوند به او امر فرمود آن هنگام که به تو فرمان دادم، چه چیز تو را مانع شد که سجده کنی؟
گفت من از تو بهترم مرا از آتش آفریده‌ای و او را از گل!

«يَحْلِفُونَ بِاللَّهِ مَا قَالُوا وَلَقَدْ قَالُوا كَلِمَةَ الْكُفْرِ وَكَفَرُوا بِنَجْدِ إِسْلَامِهِمْ وَهَمُّوا بِمَا يَنْالُوا وَمَا يَنْقُومُوا إِلَّا أَنْ أَعْتَبَهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ مِنْ فَضْلِهِ فَإِنْ يَتُوبُوا لَكِ خَيْرًا لَهُمْ وَإِنْ يَتُوبُوا يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ عَذَابًا أَلِيمًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ» (توبه / ۷۴)

به خدا سوگند می‌خورند که (در غیاب پیامبر، سخنان نادرست) نگفته‌اند در حالی که قطعاً



سخنان کفرآمیز گفته‌اند و پس از اسلام آوردنشان، کافر شده‌اند و تصمیم (به کار خطرناکی) گرفتند که به آن نرسیدند آنجا فقط از این انتقام می‌گیرند که خداوند و رسولش آنان را به فضل و کرم خود، بی‌نیاز ساختند، (با این حال) اگر توبه کنند، برای آن‌ها بهتر است و اگر روی گردانند، خداوند آن‌ها را در دنیا و آخرت به مجازات دردناکی کیفر خواهد داد و در سراسر زمین نه ولی و حامی دارند و نه یآوری.

«هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسُ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ مَا خَلَقَ اللَّهُ ذَلِكَ إِلَّا بِالْحَقِّ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْمَلُونَ» (یونس/۵)

او کسی است که خورشید را روشنایی و ماه را نور قرار داد؛ و برای آن منزلگاه‌هایی مقدر کرد تا عدد سال‌ها و حساب (کارها) را بدانید، خداوند این را جز به حق نیافریده؛ او آیات (خود را) برای گروهی که اهل دانش‌اند، شرح می‌دهد.

«مَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا أَسْمَاءً سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ إِنْ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (یوسف/۴۰)

این معبودهایی که غیر از خدا می‌پرستید، چیزی جز اسم‌هایی (بی‌مسما) که شما و پدرانتان آن‌ها را خدا نامیده‌اید، نیست؛ خداوند هیچ دلیلی بر آن نازل نکرده حکم تنها از آن خدایت، فرمان داده که غیر از او را نپرستید. این است آیین پابرجا؛ ولی بیشتر مردم نمی‌دانند.

«لَهُ دَعْوَةُ الْحَقِّ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ لَهُمْ بِشَيْءٍ إِلَّا كَبَاسِطٌ كَفَّيْهِ إِلَى الْمَاءِ لِيَبْلُغَ فَاهُ وَمَا هُوَ بِبَالِغِهِ وَمَا دُعَاءُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ» (رعد/۱۴)

دعوت حق از آن اوست؛ و کسانی که (مشرکان) غیر از خدا می‌خوانند، (هرگز) به دعوت آن‌ها پاسخ نمی‌گویند. آن‌ها همچون کسی هستند که کف‌های (دست) خود را به سوی آب می‌گشاید تا آب به دهانش برسد و هرگز نخواهد رسید؛ و دعای کافران، جز در ضلال (و گمراهی) نیست.

«رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بُوَادٍ غَيْرِ ذِي ذَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ

أَفئدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ.» (ابراهیم/۳۷)



پروردگارا! من بعضی از فرزندانم را در سرزمین بی آب و علفی، در کنار خانه‌ای حرم توس، ساکن ساختم تا نماز را بر پادارند؛ تو دل‌های گروهی از مردم را متوجه آن‌ها ساز؛ و از ثمرات به آن‌ها روزی ده؛ شاید آنان شکر تو را به جای آورند.

«فَقَالَ اَنَا رَبُّكُمْ اَلْاَعْلٰی» (نازعات / ۲۴)

من پروردگار برتر شما هستم.

«اَلِهَ النَّاسِ» (ناس / ۳)

به (خدا) معبود مردم.

«اَللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ وَ عَلٰی اللّٰهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ» (تغابن / ۱۳)

خداوند کسی است که هیچ معبودی جز او نیست و مؤمنان باید فقط بر او توکل کنند.

۲. توحید از منظر روایات

جبرئیل می‌گفت که خدای برترین می‌فرماید: لا اله الا الله دژ من است و هرکس به دژ من پناه آورده از عذابم ایمن می‌ماند. (نهج الفصاحه، مترجم: پاینده، ۱۳۵۶، ح ۱۳۵۲)

ایمان خود را تازه کنید و لا اله الا الله را بسیار بگویید. (نهج الفصاحه، پاینده، ۱۳۵۶، ج ۱، ۱۳۰۴) هر چیزی را کلیدی است و کلید آسمان‌ها، کلمه‌ی لا اله الا الله است. (نهج الفصاحه، مترجم: پاینده، ۱۳۵۶، ح ۲۲۶۱)

اسلام بر پنج چیز استوار است:

شهادت بر این معبودی جز خدای یگانه نیست و محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) پیامبر خداست و بر پای داشتن نماز و ادای زکات و حج و روزه‌ی رمضان. (نهج الفصاحه، مترجم: پاینده، ۱۳۵۶، ج ۱، ۱۰۹۵)

ج. توکل در آیات و روایات

۱. آیات مربوط به توکل

«اِذْ هَمَّتْ طَافِثَتَانِ مِنْكُمْ اَنْ تَفْشَلَا وَ اللّٰهُ وَلِيَهُمَا وَ عَلٰی اللّٰهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ» (آل عمران / ۱۲۲)



زمانی را که دو طایفه از شما تصمیم گرفتند سستی نشان دهند (و از وسط راه بازگردند): و خداوند پشتیبان آن‌ها بود (و به آن‌ها کمک کرد که از این فکر بازنگردند) و افراد با ایمان، باید بر خدا توکل کنند.

«وَ إِنْ يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَ إِنْ يَمْسَسْكَ بِخَيْرٍ فَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»

(انعام/ ۶)

اگر خداوند زبانی به تو برساند، هیچ‌کس جز او نمی‌تواند آن را برطرف سازد و اگر چیزی به تو برساند، او بر همه چیز تواناست؛ (و از قدرت او، هرگونه نیکی ساخته است).

«وَ لَوْ أَنَّهُمْ رَضُوا مَا آتَاهُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ قَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ سَيُوتِنَا اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ رَسُولُهُ إِنْ أَلَىٰ

اللَّهُ رَاغِبُونَ» (توبه/ ۵۹)

(در حالی که) اگر به آنچه خدا و پیامبرش به آنان داده راضی باشند و بگویند: خداوند برای ما کافی است: و به زودی خدا و رسولش، از فضل خود به ما می‌بخشند؛ ما تنها رضای او را می‌طلبیم و برای آن‌ها بهتر است.

«قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَىٰ بَيْنِهِ مِنْ رَبِّي وَ رَزَقْنِي مِنْهُ رِزْقًا حَسَنًا وَ مَا أُرِيدُ أَنْ أُخَالِفَكُمْ أَلَىٰ

مَا أَنْهَكُمُ عَلَىٰ أَنْ تُرِيدُوا إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَ مَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ إِلَيْهِ أُنِيبُ» (هود/

۸۸)

گفت: ای قوم! به من بگویید، هرگاه من آشکاری از پروردگارم داشته باشم و رزق (و موهبت) خوبی به من داده باشد، (آیا می‌توانم بر خلاف فرمان او رفتار کنم؟! من هرگز نمی‌خواهم چیزی را که شما را از آن باز می‌دارم، خودم مرتکب شوم. من جز اصلاح تا آنجا که توانایی دارم - نمی‌خواهم؛ و توفیق من، جز به خدا نیست. بر او توکل کردم؛ و به سوی او باز می‌گردم.



«أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنَّ يَئِسَ يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ» (ابراهیم/ ۱۹)

آیا ندیدی خداوند، آسمان‌ها و زمین را به حق آفریده است؛ اگر بخواهد، شما را می‌برد و خلق تازه‌ای می‌آورد.

«وَقَالَ يَا بَنِيَّ لَا تَدْخُلُوا مِنِّي بَابٍ وَاحِدٍ وَادْخُلُوا مِنِّي أَبْوَابٍ مُتَفَرِّقَةٍ وَمَا أُغْنِي عَنْكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَحْكَمُ اللَّهُ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَعَلَيْهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ» (یوسف/ ۶۷)

(و هنگامی که می‌خواستند حرکت کنند، یعقوب) گفت که «فرزندان من! از یک در وارد نشوید؛ بلکه از درهای متفرق وارد گردید (تا توجه مردم به سوی شما جلب نشود) و (من با این دستور) نمی‌توانم حادثه‌ای را که از سوی خدا حتمی است، از شما دفع کنم پس حکم و فرمان، تنها از آن خداست. بر او توکل کرده‌ام؛ و همه‌ی متوکلان باید بر او توکل کنند.

«وَأَعْتَزِلْكُمْ وَمَا تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ وَاذْعُوا رَبِّي عَسَىٰ أَلَا أَكُونَ بِدَعَاءِ رَبِّي شَقِيًّا» (مریم/ ۴۸)

و از شما و آنچه غیر خدا می‌خوانید، کناره‌گیری می‌کنم؛ و پروردگارتان را می‌خوانم؛ و امیدوارم در خواندن پروردگارتان بی‌پاسخ نمانم.

«الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ الرَّحْمَنُ فَسَلِّ بِه

خَبِيرًا» (فرقان/ ۵۹)

همان که آسمان‌ها و زمین و آنچه را میان این دو وجود دارد، در شش روز آفرید: سپس بر عرش قرار گرفت رحمان است؛ از او بخواه که از همه‌چیز آگاه است.

«وَأَنَّهُ لَهْدَىٰ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ» (نمل/ ۷۹)

و مایه‌ی هدایت و رحمت برای مؤمنان است.

«الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ» (عنکبوت/ ۵۹)

همانا که صبر کردند و تنها بر پروردگارشان توکل می‌کنند.

«وَمَا اخْتَلَفْتُمْ فِيهِ مِنْ شَيْءٍ فَحُكْمٌ إِلَى اللَّهِ ذَلِكُمُ اللَّهُ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ» (شوری/ ۱۰)



در هرچیز اختلاف کنید، داوری اش با خداست؛ این است خداوند پروردگار من، بر او توکل کرده‌ام و به‌سوی او باز می‌گردم.

«قُلْ هُوَ الرَّحْمَنُ اَمَّنَا بِهِ وَعَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» (ملک/۲۹)

بگو: او خداوند رحمان است، ما به او ایمان آورده و بر او توکل کرده‌ایم و به زودی می‌دانید چه کسی در گمراهی آشکار است.

«لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ اَسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللهَ وَ اليَوْمَ الآخِرَ وَ مَنْ يَتَوَلَّ فَاِنَّ اللهَ وَ هُوَ الغَنِيُّ

الْحَمِيدُ» (ممتحنه/۶)

برای شما در زندگی آن‌ها اسوه‌ی حسنه بود، برای کسانی که امید به خدا و روز قیامت دارند: و هرکس سرپیچی کند خداوند بی‌نیاز و شایسته‌ی ستایش است.

«فَوَقَّتهُ اللهُ سَيَاتٍ مَا مَكْرُوا وَ حَاقَ بِآلِ فِرْعَوْنَ سُوءُ الْعَذَابِ» (غافر/۴۵)

خداوند او را از نقشه‌های سوء آن‌ها نگه داشت، عذاب شدید بر آل فرعون وارد شد.

۲. توکل از منظر روایات

پیامبر اکرم (صلی‌الله علیه وآله وسلم) می‌فرمایند: پنج چیز از ایمان است و اگر در کسی نباشد ایمان ندارد: تسلیم در برابر فرمان خدا و رضا به قضای خدا و واگذاشتن کارها به خدا و توکل به خدا و صبر هنگام صدمه‌ی نخستین. (نهج الفصاحه، مترجم: پاینده، ۱۳۵۶، ح ۱۴۶۲)

اگر شما آن‌گونه که شاید، بر خدای برترین توکل کنید، روزی‌تان را می‌رساند: همچون مرغان هوا که صبح گرسنه‌اند و شب، سیر. (نهج الفصاحه، مترجم: پاینده، ۱۳۵۶، ح ۲۳۱۰)

خداوند کسی را بر آدمیزاد مسلط می‌کند که از او می‌ترسد. اگر آدمیزاد از کسی جز خدا نترسد، خدا هیچ‌کس را بر او سلطه نمی‌بخشد.

خداوند، آدمیزاد را به کسی می‌سپارد که به او امید دارد اگر آدمیزاد به کسی جز خدا امید نبرد،

خدا او را به هیچ‌کس نمی‌سپارد. (نهج الفصاحه، مترجم: پاینده، ۱۳۵۶، ح ۹۵۳)



خداوند دعای سه کس را اجابت نمی‌کند: مردی که در خانه‌ی ویران جای گیرد و مردی که کنار راه مردم سکنی گیرد و مردی که چارپای خویش را رها کند و سپس دعا کند که خداوند نگاهش دارد. (نهج الفصاحه، مترجم: پاینده، ۱۳۵۶، ج، ۱۲۲۵)

عمیق‌ترین نکته که از آیات و روایات بیان شده، برداشت می‌شود، این است: توکل زمانی به حقیقت می‌پیوندد که انسان به خوبی مفهوم توحید را درک کرده باشد.

۳. درجات توکل

توکل در ضعف وقوت سه درجه دارد:

اول: آنکه حال او در حق خدا و اعتماد و وثوق به عنایت و سرپرستی و کفالت او همچون حال وی نسبت به وکیل خود باشد، این ضعیف‌ترین درجه‌ی توکل است، و وقوع آن بسیار است.

دوم: آنکه حال او با خدا حال کودک با مادر خود باشد، زیرا طفل جز مادر نمی‌شناسد، و جز به او پناه نمی‌برد، و جز به او اعتماد ندارد، چون او را ببیند به دامن وی آویزد، و اگر در غیاب او امری روی نماید نخستین چیزی که بر زبانش می‌گذرد ای مادر! است.

فرق بین این دو درجه آنست که صاحب این مرتبه چنان در توکل خود غرق است که به توکل خود نیز التفات ندارد، بلکه التفاتش تنها به کسی است که بر او توکل کرده (یعنی وکیل)، و در دلش برای غیر او جایی نیست. اما در آن توکل به کسب اختیار و تکلف است و از توکل خود غافل نیست و به آن التفات دارد و بدین سان تنها به کسی که بر او توکل کرده توجه ندارد و این مرتبه کمتر از اولی وقوع و دوام دارد. زیرا حصول آن فقط برای خواص است و نهایت دوام آن یکی دو روز است و با تدبیرات منافات دارد، مگر تدبیر پناه جستن به خدا و دعا و زاری نمودن، همچون تدبیر کودک در آویختن به مادر خود فقط.

سوم: که بالاترین درجات است، این است که آدمی در سکناات و حرکات خود در پیشگاه خدا مانند مرده باشد در دست مرده شوری؛ یعنی خود را میت ببیند و قدرت ازلی را حرکت دهنده‌ی خویش بداند، چنانکه مرده شوی مرده را حرکت می‌دهد. چنین شخصی نفس خویش را تقویت کرده و به مرتبه‌ی سوم از توحید رسیده است.



فرق بین او و دوم این است که دومی دعا و تضرع را ترک نمی‌کند چنانکه کودک به مادر خود پناه می‌برد و فریاد می‌کند و به دامن او می‌آویزد و دنبالش می‌رود... و از این گونه است توکل ابراهیم خلیل (علیه‌السلام) هنگامی که در منجنیق نهاده شد تا به آتش افکنده شود، روح الامین به او اشاره نمود که نجات و خلاصی خود را از خدای سبحان بخواه. گفت: علم او به حال من از سوالم بسنده است. اما این کمیاب است و به ندرت اتفاق می‌افتد و آن مرتبه صدیقان است و هرگاه یافت شود دوامش بیش از زردی از ترس یا سرخی از شرم نیست و آن مادامی که باقی است منافی تدبیرات است، زیرا صاحب آن همچون مبهوت وحیران است.

اما توکل بنده بر خدا گاهی در همه‌ی امور خود است و گاهی در بعضی از آنهاست و در درجات آن به حسب بیشی و کمی امور کسی که در آنها توکل می‌کنند، مختلف است. (مجتبوی ۱۳۸۱، ص ۲۸۳)

راه تحصیل توکل

بعد از تقویت توحید و اعتقاد به اینکه همه امور مستند به خدای سبحان است و برای دیگری دخالتی در آن نیست - این است که آیات و اخبار مذکور را که دلالت بر فضیلت و ستایش آن دارد و این را که توکل باعث رستگاری و کفایت امور اوست به یاد آورد، سپس متذکر شود که خدای تعالی او را از نیستی به هستی آورد ... و او به بندگان خود از مادر به فرزند خود مهربان‌تر است و کفایت اهل توکل را تعهد و ضمانت نموده است پس محال است که مهمات او را کفایت نکند و همچنین سزاوار است حکایت‌هایی در باب همین موارد را مرور کند. (مجتبوی، ۱۳۸۱، ص ۲۹۵)

توکل به خدا آدمی را از وابستگی‌هایی که سرچشمه ذلت و بردگی است، نجات می‌دهد. انسان در سایه توکل بر خدا از دیگران بی‌نیاز می‌شود و به عزت اجتماعی دست می‌یابد.

حضرت علی (علیه‌السلام) می‌فرماید:

«ای مردم بر خدا توکل کنید و به او اعتماد داشته باشید؛ چرا که انسان را از غیر خود بی‌نیاز

می‌کند.» (مجلسی، ۱۴۰۴، ق)

چنان که امام سجاد (علیه‌السلام) تقاضا از غیر خدا را باعث مذمت دانسته و فرموده‌اند:



«پروردگارا همانا من خود را برای تو خالص گردانیدم و از همه خلق منقطع شده و ابدًا حوائج خود را از درگاه مخلوقی که محتاج توست طلب نکردم، چون دیدم که طلب کردن مخلوق محتاج از مخلوق محتاجی مثل خود، از سفاقت و ضلالت عقل است.» (صحیفه سجادیه ۱۳۸۹، ص ۸۹)

د. نمونه‌هایی از توحید و توکل در امور فردی

۱. اعتماد به نفس

می‌توان گفت امید و اراده‌ی انسان زمانی پا به عرصه‌ی حقیقت می‌گذارد که عظمت نیروی خداوند یکتا را، بشناسد و با تمسک به آن شناخت صحیح، حرکت به سمت بلند خود را آغاز کند. البته در کنار این مهم یعنی خداشناسی و تکیه بر نیروی زوال‌نپذیر ابدی، عناصر و ارکان دیگری نیز همچون صبر، اعتماد به نفس البته به معنای اسلامی و... رشد خواهند کرد.

اگر اعتماد به نفس را به معنای خودباوری و بهره‌گیری از قوا و استعدادهای خداداد بدانیم و در عین حال به قدرت و توان خود مغرور نباشیم و مسبب‌الاسباب و سرچشمه‌ی قدرت را از یاد نبریم، با توکل تعارضی نخواهیم داشت؛ اما اگر این‌ها را جایگزین اعتماد به خدا قلمداد کنیم، با توحید و توکل ناسازگار خواهد افتاد و از ردایل به شمار خواهد آمد.

برخی از متفکران اسلامی بر این باورند که اندیشه‌ی اعتماد به نفس، از مغرب زمین به حریم اندیشه‌ی ناب توحیدی مسلمانان راه افتاده است و اسلام هرگز اعتماد به نفس را تأیید نکرده است؛ زیرا آدمی که از خود چیزی ندارد و مالک سود و زیان خود نیست، چگونه می‌تواند به خود تکیه و اعتماد کند؟ تنها اعتماد و توکل بر خداست که از نظر اسلام، فضیلت به شمار می‌آید.

البته روایاتی هم در تأیید این برداشت وجود دارد؛ از جمله اینکه:

«الْتِقَهُ بِالنَّفْسِ مِنْ أَوْثَقِ فُرْصِ الشَّيْطَانِ.» (خانساری، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۳۸۱؛ رک: روحانی نژاد،

۱۳۸۳، ص ۳۲)

اعتماد به نفس از استوارترین فرصت‌های شیطانی است.

اعتماد به نفسی مطلوب است و موجب کارایی انسان در امور محوله می‌شود، نه تنها با توکل

ناسازگار نیست؛ بلکه توکل آن را تقویت می‌کند. (رک: روحانی نژاد، ۱۳۸۳، ص ۳۲)



بی‌تردید ایمان و توکل بر خداوند در آرامش و امنیت روحی بشر تأثیر بسزایی دارد؛ زیرا «توکل» یعنی واگذاری همه امور به خدا که یکی از راه‌های کسب آرامش به شمار می‌رود. متوکلان همواره از آرامش روحی برخوردارند؛ چرا که متکی به نیروی عظیم الهی هستند و خدا را تنها پشتیبان خود می‌دانند.

برای برطرف کردن نیازمندی‌های انسان سه راه وجود دارد:

(۱) اعتماد به نیروی خود

(۲) اعتماد به نیروی دیگران

(۳) اعتماد به نیروی خداوند متعال.

دیگران را به عنوان تکیه‌گاه مطمئن برگزیدن، نه تنها از نظر دین مضموم است، بلکه از نظر روانشناسی نیز امری نکوهیده و نامعقول است و به تدریج حس استقلال‌طلبی را از آدمی را سلب می‌کند.

اعتماد به نیروی خود-که از نظر روانشناسی به آن «اعتماد به نفس» می‌گویند-از دو بعد برخوردار است:

(۱) بعد مثبت و ایجابی

(۲) بعد منفی و سلبی.

بعد اول به همین معنا است که آدمی به خود متکی باشد. این حالت گرچه از نظر روانشناسی، مطلوب و مورد سفارش است، اما از نظر دین و فرهنگ توحیدی، قابل قبول نیست؛ زیرا هرچه بر میزان معرفت آدمی نسبت به خود و خدای متعال افزوده شود به عجز و ناتوانی خودآگاه‌تر می‌شود و در می‌یابد که آدمی هرچه دارد از ناحیه‌ی ذات اقدس خدای سبحان است، پس چگونه می‌تواند به نیروی خود تکیه زند و بر خدای متعال توکل نکند.

بعد سلبی اعتماد به نفس یعنی عدم اعتماد به دیگران، هم از دیدگاه روانشناسی و هم از نظر توحیدی مورد قبول است و فاعل آن شایسته‌ی تحسین و ستایش می‌باشد در آموزه‌های دینی تأکید فراوانی شده است که دل بستن و تکیه بر غیر خدا، جز یأس و حرمان چیزی در بر ندارد.

باید بر خدای زنده توکل کرد: «وَتَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ» (فرقان (۲۵) و (۵۸))



بر زنده ای که هرگز نمی‌میرد توکل کن.

از دیدگاه قرآن کریم در سایه توکل به خدا شخص متوکل محبوب خدا قرار می‌گیرد.

در سوره مبارکه آل عمران آیه ۱۵۹ خداوند فرموده است:

«فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ»

پس معلوم می‌شود دارنده توکل مورد محبت خدا و مشمول کفایت اوست و کسی که خدا کفایت کننده و دوستدار و نگهبانش باشد به پیروزی بزرگی دست یافته است. (فیض کاشانی، ۱۳۶۵، ص ۶۵)

۲. صبر

نسبت صبر و توکل

انسان هنگامی که به مقصود و مراد خود دست می‌یابد که دو زمینه فراهم گردد:

زمینه ی نخست که مربوط به خود آدمی و در اختیار اوست، تلاش و کوشش و تحمل سختی‌ها و دشواری‌ها و دست و پنجه نرم کردن با موانع و مشکلات است. انسان در این زمینه نیازمند صبر است.

زمینه دیگر، رویدادهای ناگهانی و پیشامدهای غیرمنتظره و تندباد حادثه‌های مخالف است؛ که به غرق شدن کشتی مراد آدمیان می‌انجامد.

بن گونه رخدادها که در اختیار آدمی نیست. در این صورت، آدمی نیازمند توکل بر خدای تعالی است تا بر قدرت لایزال او تکیه کند و تدبیر امور خویش را به او واگذارد. از این رو در برخی از آیات، صبر و توکل در کنار یکدیگر ذکر شده‌اند. (ر.ک: قرضای، بی‌تا، ص ۱۱۱)

صفت صبر و توکل، در پرتوی معرفت به خدا و آگاهی از ماسوی الله به دست می‌آیند. کسی که بداند جز خدای سبحان، هر چه هست، ناپایدار و زایل شدنی است، برای او صبر آسان می‌شود؛ زیرا صبر بر فقدان چیزی که ناپایدار است، آسان است و کسی که به این معرفت و دانایی دست یابد که خدا باقی و پایدار است و روزی او را می‌رساند، اگر چیزی از دست بدهد، بر خدایی که حی و پایدار است، توکل و اعتماد می‌کند. (ر.ک: فخر رازی، بی‌تا، ج ۱۳، ص ۸۷)



واقعیت‌های موجود در تاریخ گویای این حقیقت است که ایمان از دیرباز تاکنون چهره‌ای توأم با توکل خود را در سراسر زندگی مردم به نمایش گذاشته است به گونه‌ای که می‌توان از این مسئله با عنوان اصلی‌ترین انگیزه برای ادامه حیات نام برد. (ر.ک: روحانی نژاد، ۱۳۸۳، صص ۵۰، ۵۱)

ح. نمونه‌های از نقش و ارتباط توحید و توکل در امور اجتماعی

بی‌تردید انسان‌های مؤمن با پذیرفتن توحید به عنوان یک اصل اساسی و واگذار کردن امور خود بر این باور دینی و قلبی تأثیر به سزا و قابل توجهی بر روند صعودی و توأم با موفقیتی را در جامعه ایجاد می‌کنند.

۱. بازاریان

چیزی که هست در میان طبقات کاسب و تاجر روح توکل ظهور بیشتری پیدا می‌کند. در بازار و میان بازاری‌ها بیش از جاهای دیگر به تابلوها و عناوینی نظیر تجارت‌خانه توکلی، قنادی توکل و... برمی‌خورید.

با مشاهده آیاتی همچون «علی الله فی کل الامور توکلی» و جملاتی مانند و «با الخمس اصحاب الکساء توسلی» می‌توان به این مسئله اشاره نمود که فروش یک کاسب و در آمد روزانه‌اش چون ارتباط با مراجعه مشتری دارد که خارج از اختیار و حساب اوست، حال میان خوف و رجاء که بر این طبقه از مردم حاکم است روحیه توسل و توکل را در آن‌ها قوت داده است.

آنان روی روزی‌رسان و مشتری‌رسان بیشتر حساب می‌کنند تا روی تلاش خود و تدبیر و تبلیغ. حجره را با گفتن بسم‌الله و با ذکر «لا حول و لا قوه الا بالله» باز می‌کنند و توکلت علی الله را تکرار می‌نمایند.

به طور کلی در کارهای آزاد و کسانی که مشاغل مشکل و مجهول را به عهده می‌گیرند، هر کس به نحوی توجه به مبدأ و انتظار برکت و موفقیت از منابع غیبی و یا مافوق که خارج از اراده اوست، دارد. از نمونه‌های بارز و قابل توجهی که می‌تواند به نوعی نمونه‌ای صحیح از درک ارتباط توحید و توکل در رفتار را به انسان‌ها یادآوری کند همین‌ها هستند.



۲. جبهه

حلاوت و شیرینی این موضوع در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل می‌باشد زیرا اگر فردی از دیدگاه مادی به جبهه ما و دشمن بعثی نگاه کرده و تجهیزات مادی آنان را با تجهیزات ما مقایسه می‌نمود، متوجه می‌شد که هیچ مشابهت و یکسانی بین آن‌ها وجود نداشته است و قضاوت می‌کرد که شکست حتمی در همان روزهای اول جنگ، با قوای اسلامی بوده است. (نسیم مشرقی، ص ۱۴-۱۳)

اما اگر از دیدگاه یک ارتشی قهرمان اسلام، به جبهه بنگرد قوای اسلام را مجهز به کارسازترین تجهیزاتی می‌یابد که در تاریخ بشریت جز در دوره‌ی صدر اسلام، نشانی از آن نیست. از این رو همه‌ی برادران رزمنده، خصوصاً شیردلان اطلاعات و عملیات، با ایمانی محکم و توکلی پر قدرت به قلب نیروهای دشمن نفوذ نموده و حتی چند روزی در میان آن‌ها می‌ماندند و با کسب نمودن آخرین اطلاعات و اسرار نظامی دشمن به پایگاه‌های خود بر می‌گشتند.

رزمندگان مسلمان با خود می‌اندیشیدند که گر چه ظاهراً در اقلیت هستند و ابرقدرت‌های دنیا علیه‌شان وارد جنگ شده‌اند؛ ولی در حقیقت پیشخوانه‌ی قوای اسلام، یگانه قدرت عالم خداوند تبارک و تعالی بوده است که اگر همچنان در طریق بندگی او باشند «توجهات حضرتش» «جنود آشکار و نهانش» در همه‌ی لحظات یار و یاور قوای اسلام می‌باشد؛ و در این راه نه تنها هیچ «ضرر و زیانی» نیست بلکه هر چه صدمات و دشواری و تلخی بیشتری را متحمل شوند نزد خداوند از مقام بسیار بالایی برخوردار می‌باشند زیرا در مکتب امام امت آموزش دیده‌اند که فرمود:

«کسی که برای خدا کار بکند، هیچ وقت شکست برایش نیست. برد همیشه به او هست.»

(ابن محمد عبدالواحد، ۱۳۵۹، ج ۲، ص ۴۱۴)

چنین رزمنده‌ای همواره منتظر فرا رسیدن شب حمله می‌بود. آنگاه که در دل شب تاریک و ظلمانی، از میان بیابان‌ها و کوه‌هایی که برای اولین بار در آنجا گام نهاده و با صلاح‌ها و ابزار جنگی خود به دشمن بعثی یورش می‌برد: از دره‌های هولناک می‌گذشت، پستی‌ها و بلندی‌ها را در می‌نوردید، خار و خاشاک و دود و گرد غبار میدان رزم کوچک‌ترین ملال خاطری در او به وجود نمی‌آورد و همچون شیر گرانی به پیش می‌تاخت و با پشت سر گذاردن سیم‌های خاردار و



میدان‌های مین و کانال‌ها، تنها سلاحی که در حقیقت به آن اتکا داشته و با دشمن می‌جنگید ایمان وی بوده و تنها پشتوانه و دلگرمی و تکیه‌گاهش «توکل به خداوند» بوده است.

رمز این شیردلی را امام مجاهدان و پیشتاز سلحشوران اسلام حضرت امیر مؤمنان علی علیه‌السلام در توکل دانسته و می‌فرمایند «اصل و قوت القلب التوکل علی الله» ریشه اساسی داشتن قلب قوی و شیردلی، توکل به خدا می‌باشد.

لذا با اینکه دشمن بعثی، منطقه را به آتش کشیده و از زمین و هوا گلوله‌های خمپاره و توپ و تانک بر سر او فرود می‌آورد با آرامش دل و با «یاد خدا» توکل به او جسته و همچنان به جلو می‌رود و هرگونه سختی و ناراحتی را با سلاح «توکل» و صبر و ایمان خود هموار و آسان می‌سازد. امیر مجاهدان علی (علیه‌السلام) می‌فرماید:

«مَنْ تَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ ذَلَّتْ لَهُ الصَّحَابُ وَ تَسَهَّلَتْ عَلَيْهِ الْأَسْبَابُ» (عبدالواحد، ۱۳۵۹، ج ۵، ص ۴۲۵)

کسی که به خدا توکل نماید سختی‌ها برای او هموار و اسباب و ابزار لازم برای او آسان می‌شود (واحد آموزش، عقیدتی سیاسی سپاه، ۶۳، صص ۱۱، ۱۲، ۱۳)

از این رو رزمنده مسلمان با شکوفا نمودن این رکن اساسی خداشناسی ویژگی‌های مثبت و خصائل روحی عمیق مناسبی را در انسان به وجود می‌آورد. به گونه‌ای که حرکت‌های بزرگ با دید یک انسان توحیدی که توکل را باور کرده است، کوچک شمرده می‌شود و با ایجاد انگیزه‌های قوی، قدم برداشتن به سمت حق، برای او آسان می‌شود.



نتیجه بحث

نیروی یاری دهنده حضرت حق تنها پشتوانه‌ی امیددهنده در زندگی فردی و اجتماعی افراد می‌باشد. پس شناخت او بر همگان لازم و تکیه بر حقیقت فنا ناپذیرش در همه مراحل، قوام دهنده



مسیر پر فراز و نشیب حیات بشری می‌باشد. سیر بر زندگی و کلام قرآن و بزرگان دین، گویایی این واقعیت را می‌رساند چرا که نگاه بشر امروز به مسائل مختلف، حتی مباحث دینی، نگاه کارکردگرایانه است و تا به کارکردهای یک باور یا یک کردار اطمینان نداشته باشد، در آن جهت گام برنمی‌دارد و سبک زندگی خویش را بر آن بنا نخواهد کرد. بر این اساس، یکی از وظایف مدافعان کیان دین، بررسی کارکردهای باورهای دینی، تبیین مطلوب آن‌ها و تلاش در جهت نشان دادن تحقق آن‌هاست.



منابع و مآخذ

- * قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، بی‌جا، انتشارات آیین دانش، ۱۳۸۰.
۱. ابن عبدالله، نهج الفصاحه مجموعه کلمات قصار حضرت رسول (ص)، مترجم: ابوالقاسم پاینده، تهران، جاویدان، ۱۳۵۶.
۲. اصفهانی، راغب، المفردات فی غریب القرآن، ترجمه غلامرضا خسروی، تهران/زمستان ۱۳۸۵.
۳. افرازم، فواد، فرهنگ جدید عربی فارسی، ترجمه منجد الطلاب به ضمیمه فرائد الادب، [فواد افرازم البستانی]، مترجم محمد بندر ریگی، تهران، اسلامی، ۱۳۷۴.
۴. ابن محمد فعبد الواحد، شرح غرر الحکم و درر الکلم، آقا جمال خوانساری محمد بن حسن، مصحح: جلال الدین محدث، تهران/دانشگاه تهران/۱۳۶۰.
۵. روحانی نژاد حسین، توکل، تهران کانون اندیشه جوان/۱۳۸۳.



۶. شجاعی، محمد صادق، توکل به خدا (راهی به سوی حرمت خود و سلامت روان)، مرکز انتشارات موسسه آموزشی و پرورشی امام خمینی (ره)، صدف، ۱۳۸۳.
۷. فقیهی، سید احمد، خداشناسی، مرکز انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، صدف، سوم زمستان ۱۳۸۲.
۸. معین محمد، فرهنگ فارسی: شامل لغات ادبی، ریاضی، نجومی، پزشکی، اقتصادی، طبیعی و...، تألیف محمد معین به اهتمام عزیز الله علیزاده، تهران، میلاد ۱۳۸۶.
۹. معلوف، لوییس، ترجمه المنجد، ترجمه مصطفی رحیمی اردستانی، تهران، صبا، ۱۳۷۷.
۱۰. مرکز بررسی و تحقیقات عقیدتی سیاسی، توکل در جبهه، واحد آموزش عقیدتی سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، پاییز ۱۳۶۳.

